

یادداشت

دوران گذار در صنعت خودرو^(۲)

راهکار برون‌رفت از بحران و موفقیت زنجیره تأمین



امیرحسین کاکایی*

در نوشتار قبلی خدمت‌تان توضیح دادم که دنیا کلا در دوران گذار است و کشور ایران هم به تبع آن با سرعت بیشتری در حال تحول. البته نشان دادم که صنعت خودرو خیلی سریع‌تر از بقیه کسب‌وکارها در حال تغییر است و به‌طور خاص این وسط زنجیره تأمین داخلی در کشور دچار چالش؛ الان فکر و ذکر قطعه‌ساز، بقا است. اما چه باید کرد. البته این روزها متخصصان منابع انسانی و استراتژیست‌های بزرگ کشور در حال ارائه انواع راهکار و سخنرانی‌ها در رابطه با مفهومی به نام تاب‌آوری هستند. من نمی‌خواهم حرف تکراری بزنم. خوانندگان فرهیخته، قطعا تا الان یا آن مطالب را خوانده‌اند یا در آن سخنرانی‌ها و کلاس‌ها شرکت کرده‌اند. می‌خواهم دقیقا به مسائل خاص زنجیره تأمین صنعت خودرو و موارد مشابه (مثلا لوازم خانگی و دیگر صنایع تولیدکننده محصولات نهایی) بپردازم. برای این موضوع باید به چند مفهوم کلیدی در این زنجیره توجه کنیم.

اولین موضوعی که باید به آن توجه کنیم، عملکرد شبکه‌ای زنجیره تأمین است. ما در یک تناقض ساختاری در توسعه زنجیره تأمین روبه‌رو بوده‌ایم. عبارت زنجیره تأمین، حکایت از عملکرد زنجیره‌وار و پشت سر هم دارد. درحالی‌که مفهوم واقعی آنچه به‌عنوان مجموعه قطعه‌سازان و مجموعه‌سازان در تأمین صنعت خودرو مشا‌هده می‌کنیم، شاید زمانی زنجیره‌وار بوده، اما الان شبکه‌ای است. یعنی اولاً ما دربار هر قطعه در داخل کشور (با بازار محدود داخلی) چند تأمین‌کننده داریم که هم‌زمان امکان دارد کارهای دیگر ازجمله تولید قطعات دیگر یا مجموعه‌ای را بر عهده داشته باشند. امروزه ما مجموعه‌سازانی داریم (که قیلا قطعه‌ساز بوده‌اند) که از همان قطعه‌ساز رقیب هم قطعه تأمین می‌کنند یا می‌توانند تأمین کنند. در گذشته چندان دور، در دهه ۷۰، چنین شبکه‌امینی با هزاران امید و آرزو و با یک سری تفرکات مخصوص آن زمان طراحی شد و گسترش یافت. در آن زمان، اولاً کسی فکر نمی‌کرد خیلی سریع بتوانیم تیراژها را بالا ببریم و این همه قطعه‌سازی به وجود آید (سال ۱۳۶۹) و بعد از آن برای حفاظت از خودروسازی، به ناچار ایده چندتأمین‌کننده (چندسورسی) وارد بازی خودروسازی شد و این باعث شد که به‌ظاهر خودروساز در منطقه ایمن (سیف‌ساید) باشد. باین‌حال، هم‌زمان دو اتفاق مهم افتاد؛ اولاً عمده قطعه‌سازان نتوانستند به تیراژهای اقتصادی به‌خصوص از منظر تحقیق و توسعه برسند و دوما در ادامه همان قطعه‌سازان نتوانستند کیفیت لازم را در بلندمدت تأمین کنند و متعاقبا اتفاقاتی برای خودروسازان رخ داده که عملا باعث عقب‌ماندگی همه صنعت شد (یک‌جور تسخیرشدگی صنعت خودرو توسط شبکه تأمین رخ داد). همچنین چون چنین شبکه‌ای توان تحقیق و توسعه ضعیفی دارد، هیچ‌وقت نتوانست به صنعت خودرو کمک کند که در سطح جهانی مطرح باشد. نتیجه، یک کلاف سردرگم شد که الان آن را می‌بینیم. ببینید یک سیاست به‌ظاهر درست، چه بلایی بر سر یک صنعت و مسیر توسعه می‌آورد. البته در آن زمان پس از کمی توسعه کمتی این شبکه (در اواخر دهه ۷۰) این ایده هم مطرح شد که باید صنعت صادراتمحور باشد، اما متأسفانه در دهه بعدی (دهه ۸۰) تمهیدات آن فراهم نشد که هیچ، در دهه دوم (دهه ۹۰ شمسی) اصولاً روابط ما با بازارهای واقعی صادراتی کاملاً قطع شد. صادرات به سه چیز بسیار مهم وابسته است؛ کیفیت، توان مالی، مقاومت در برابر رقبای در سال‌های اولیه ورود به بازار و در نهایت واز همه مهم‌تر روابط سیاسی-اقتصادی بین‌المللی کشور. تقریباً هیچ‌کدام از اینها وجود نداشت. پس خودبه‌خود هر چه به نام صادرات در دهه ۸۰ شنیده‌اید، یک بازی با اعداد و زیان خالص برای کشور بود. (در این مورد اگر خواستید، باید مفصل توضیح دهم). البته قطعه‌سازان دو مدل می‌توانند صادرات داشته باشند؛ یا صادرات خودروی تولید داخل (که همه می‌دانیم کاملاً شکست خورد) یا صادرات قطعه به خودروسازان اصیل یا شبکه خدمات پس از فروش. جز در مقطعی کوتاه در دهه ۷۰ که برخی از قطعه‌سازان ما با خطوط تولید مدرن یا به لطف قیمت انرژی پایین توانستند صادرات خوبی به معنودی از خودروسازان، آن‌هم به‌طور کاملاً مقطعی و موقدی، داشته باشند، تقریباً صادرات معنی‌داری وجود ندارد. البته همچنان برخی از قطعه‌سازان را می‌شناسم که به علت ماهیت قطعه تولیدی‌شان و البته توانمندی ارتباطی‌شان با برخی بازارهای ی‌دکی، دارای صادرات محدود هستند که اتفاقاً برای خودشان بسیار سودآور است؛ اما بازار مربوطه بسیار محدود است و لزوماً قابل تعمیم نیست. در دهه ۲۰ یک بلای دیگر هم سر صنایع داخلی آمد و آن پیاده‌سازی سیاست‌های یوپولیتسی به کمک دلارهای بدآوردده نفتی و عودکردن بیماری هلندی کشور بود که در نهایت باعث شده بود در اواخر آن دهه، همان قطعه‌سازانی که در دهه قبلی تولیدشان صادراتی بود، از چین قطعه می‌آوردند و مارک تولید ایران می‌زدند تا از رانت‌های ارزی و موارد مشابه استفاده کنند.

به هر تقدیر، امروز ما با شبکه‌ها نامهمگون و نامتوازن قطعه‌سازی و مجموعه‌سازی با ساختاری معیوب روبه‌رو هستیم. برخی آن‌قدر بزرگ شده‌اند که حتی خودروسازی را می‌بلعند (Take over) و خود را بالا می‌کشند (البته در همین بازار محدود داخلی) و فعلاً تا مدتی برای خود وقت می‌خرند (تا آن زمان که عرض کردم کل صنعت یا تبدیل به مونتاژکار می‌شود یا تعطیل). ولی عمده این شبکه، در یک رقابت نامناسب بی‌نتیجه که پایانش با نابودی همه با هم است، قرار گرفته‌اند. چرا این رقابت نابودی شبکه را به همراه می‌آورد؟ چون عمده این بازیگران در هشت سال گذشته با اعمال سیاست‌های ضدتوسعه دولت و مجلس، به تدریج ضعیف شده‌اند و تجهیزات تولیدیشان مستهلک. از طرفی اگر هم بخوانند الان بروند خطوط تولید به‌روز بیاورند، عملاً به‌خاطر کمبود سرمایه و اوضاع دنیا (که در آن خطوط تولید کهنه ازرده‌خارج به‌طور گسترده در حال حراج است) حداکثر می‌توانند به فرایندهای تولیدی دست یابند که با فرایندهای جدیدی که در نوشتار پیش توضیح دادم، قابل رقابت نیستند. پس اولاً چنین حرکتی فقط برای رقابت در داخل خوب است و دوما از همان ابتدا کیفیت‌ها برای نیاز فعلی پایین. پس دوباره خودروی تولیدی مبتنی بر چنین فرایندهایی، همان مشکل ساختاری کیفی را دارد و اجازه نمی‌دهد خودروساز رقابت‌پذیر شود.

البته یک احتمال وجود دارد؛ با توجه به اوضاع تحریمی امروز، امکان دارد ما وارد دوران جدیدی از تحریم شویم که مجبور باشیم رفتاری شبیه کوبا یا کره شمالی از خود نشان دهیم که در این حالت، هرکس که توانسته باشد در این مدت باقی‌مانده چنین خطوط تولیدی را وارد کند، شاید برنده بعدی باشد.

شرق؛ فرایند حذف ۱۸ میلیون نفر از مشمولین یارانه نقدی از مردام‌هاه کلید خورده است، اما نه با حذف طبقه مرفه بلکه با حذف کارگران و بانزنشستگانی با درآمد ثابت و پس‌اندازی اندک. قرار بود درآمد ۳۰ تا ۶۰ میلیون تومان (براساس تعداد اعضای خانوار) ملک تعیین دهک‌های بالای درآمدی باشد، اما دولت یکباره اعلام کرد که هر خانواری که بیش از ۱۰ میلیون تومان درآمد داشته باشد دیگر مشمول یارانه نقدی نخواهد بود. این درحالی است که خط فقر در نیمه اول سال گذشته به روایت آمارهای خوش‌بینانه بیش از ۱۱ میلیون تومان بود. یعنی دولت دست به حذف یارانه گروه‌هایی زده که بعضاً زیر خط فقر هستند. کارشناسان معتقدند این اقدام به دلیل ناکارآمدی دولت و ضعف سیستم‌های اطلاعاتی و همچنین ناتوانی در استفاده از فناوری‌های پیشرفته، توسط دولت صورت گرفته و در صورت عدم اصلاح احتمالا به نارضایتی گسترده اجتماعی منجر شود.

کسری سنگین یارانه

دیوان محاسبات کشور در جدیدترین گزارش خود، اعلام کرده که دولت در پرداخت یارانه‌های سال گذشته ۲۶۶هزار و ۷۳۹میلیارد تومان کسری آورده است. طبق این گزارش میزان منابع وصولی از محل درآمد ردیف‌های پیش‌بینی‌شده در قانون بودجه، معادل ۵۷ درصد منابع مصوب بوده درحالی که میزان مصارف به معادل ۹۰ درصد مصارف مصوب رسیده است. با عدم کفایت منابع وصولی و این ناترازی بزرگ میان منابع و مصارف هدفمندی، رای جبران این کسری و همچنین پرداخت بخشی از بدهی‌های انتقالی سال ۱۴۰۲، قرار شده در مجموع ۲۶۶هزار و ۷۳۹میلیارد تومان از محل سایر منابع، از جمله خزانه‌داری کل، نتخواه بانک مرکزی و برداشت از حساب شرکت‌های دولتی تأمین شود.

ظاهرا همین وضعیت نامطلوب در پرداخت یارانه‌ها هم موجب شد که در قانون بودجه سال ۱۴۰۴ دولت موظف شود که یارانه نقدی خانوارهای پردرآمد شامل دهک‌های هشتم، نهم و دهم را از لیست پرداخت حذف کند. هرچند این اولین بار نیست و موضوع حذف یارانه پردرآمدها سال‌ها محل بحث بوده و از زمان یارانه ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی، بر ضرورت اجرای آن تأکید می‌شده است، با افزایش مبلغ یارانه نقدی به ۳۰۰ و ۴۰۰ هزار تومان و افزایش کسری دولت، این ضرورت در نگاه دولت پررنگ‌تر هم شد. تا ماه گذشته بر اساس قانون، دهک‌های اول تا سوم مبلغ ۴۰۰ هزار تومان به ازای هر عضو خانوار و دهک‌های چهارم تا نهم مبلغ ۳۰۰ هزار تومان دریافت می‌کردند. دهک دهم نیز اصولاً یارانه نقدی ندارد، بنابراین حذف یارانه در این مرحله قاعدتاً باید شامل دهک‌های هشتم و نهم می‌شد.

در همین راستا در مردادماه سال جاری یارانه حدود سه میلیون نفر قطع شد و هفت شاخص اصلی برای حذف از مشمولان یارانه عنوان شد؛ از جمله مجموعه درآمد خانوار، تراکشن‌های بانکی، دارایی‌های ملکی، خودروهای لوکس، سفرهای خارجی، اقامت در خارج از کشور و به‌تازگی «سرانه درآمد ماهانه پس از کسر اجاره مسکن».

این در حالی است که پیش‌تر، در آبان‌ماه سال گذشته، تنها شش شاخص اصلی برای شناسایی خانوارهای پردرآمد و حذف یارانه آنها اعلام شده بود که شامل دارایی‌های ملکی، خودرو، سفرهای خارجی، درآمد ماهانه و تراکشن‌های بانکی بود. گفته می‌شد اگر میزان مجموع درآمد اعضای خانواده، برای خانوار یک‌نفره در سال ۱۴۰۳ سه برابر حداقل حقوق (جمعاً ۲۰ میلیون تومان) باشد، در ردیف حذف یارانه قرار می‌گیرد. همچنین اگر خانوار دوفنره باشد، مبنای حذف یارانه درآمدی معادل ۳۰۷۵ برابر حداقل حقوق سال تعیین‌شده در بودجه سال ۱۴۰۳ (۳۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان) خواهد بود. در خانوار سه‌نفره نیز مجموع درآمد برای حذف یارانه ۴۰۵ برابر حداقل حقوق در بودجه سال جاری که ۴۵ میلیون تومان برآورد شده بود. در خانوار چهارنفره، ۵۲۵ برابر حداقل حقوق در بودجه سال جاری که ۵۲ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان برآورد شده است. در خانوار پنج‌نفره هم مبنای حذف یارانه، داشتن درآمدی معادل شش برابر حقوق در بودجه سال ۱۴۰۳ که ۶۰ میلیون تومان است، اما یکباره سازمان هدفمندی یارانه‌ها، اعلام کرد با معیار جدیدی که اضافه شده، خانوارهایی که پس از کسر هزینه اجاره مسکن، سرانه درآمد ماهانه‌شان بیش از ۱۰ میلیون تومان باشد هم دیگر واجد شرایط دریافت یارانه نیستند.

مرداد صالح جرای رئیس مرکز مطالعات و اطلاعات راه‌های اعلام کرده که یارانه یک میلیون خانوار به دلیل داشتن سرانه درآمد ماهانه بیش از ۱۰ میلیون تومان حذف شده است، به گفته خودشان این شاخص بدون لحاظ هزینه مسکن و صرفاً بر اساس بعد خانوار محاسبه شده و بر مبنای داده‌های بودجه خانوار اسفند ۱۴۰۳ استخراج شده است. بر همین مبنا هم حدود سه میلیون و ۶۶ هزار نفر را جزء سه دهک بالای درآمدی تعیین کرده و یارانه نقدی‌شان را قطع کردند.

در اطلاعیه سامانه حمایت نیز تأکید شده است: «بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی و بررسی‌های صورت‌گرفته روی شاخص‌های بانکی، درآمدی و دارایی شما، سرانه درآمد ماهانه پس از کسر هزینه‌های اجاره مسکن بیش از ۱۰ میلیون تومان برآورد شده است؛ بنابراین خانوار شما واجد شرایط دریافت یارانه نیست». همچنین در این اطلاعیه آمده، سامانه حمایت مرجع رسمی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای مشاهده دهک درآمدی و ثبت درخواست بررسی مجدد خانوارهاست. همچنین بنا بر اعلام وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی افراد می‌توانند از طریق مرکز پاسخ‌گویی وزارت رفاه ۰۲۱-۶۳۶۹-۲۱ پرسش‌های خود را مطرح کنند. البته طی تماس‌هایی از سوی شهروندان خیلی زود مشخص شد این شماره پاسخ‌گو نبوده و اصلاً در دسترس نیست!

حذف یارانه کارگران و بانزنشستگان

این در حالی است که تعدادی از شهروندان که جزء سه دهک بالای درآمدی لحاظ شده و یارانه‌شان حذف شده است می‌گویند از طبقه کارگر بوده و حقوق دریافتی خ‌ناوار آنها نهایتاً ماهانه بین ۲۵ تا ۳۰ میلیون تومان است. علاوه بر این، یارانه نقدی گروهی از بانزنشستگان نیز قطع شده و موجی از نگرانی و اعتراض را به همراه آورده؛ چراکه بسیاری از آنان بدون تغییر محسوس در درآمد ماهانه، ناگهان به دهک‌های بالاتر منتقل شده و یارانه نقدی‌شان قطع شد. در واقع تعداد زیادی از بانزنشستگان مستمری‌گیر، تنها به دلیل داشتن خانه شخصی یا پس‌انداز اندک، به اشتباه در دهک‌های بالاتر قرار گرفته‌اند.

برنامه حذف ۱۸ میلیون نفر از یارانه‌گیران از ابتدای سال جاری با کارگران و بانزنشستگان آغاز شده؛ چراکه رقم ۱۰ میلیون تومان که به‌عنوان مرز دهک‌های بالای درآمدی در نظر گرفته شده، با واقعیت‌های اقتصادی امروز فاصله دارد و منجر به شناسایی اشتباه بسیاری از خانوارها شده است. همچنین اختلاف میان معیارهای اعلام‌شده با قانون بودجه و شفاف‌نبودن نحوه محاسبه اجاره مسکن، از جمله مسائلی است که باعث سردرگمی خانوارها شده است. کارشناسان بارها هشدار داده‌اند که ادامه این روند بدون شفاف‌سازی می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی نسبت به سیاست‌های حمایتی دولت منجر شود. حقوق ۱۰ میلیون تومانی خانوارها در حالی معیار مرفه‌شناختن آنها در نظر گرفته شده که دولت چهاردهم همچنان عدد خط فقر را پنهان می‌کند. البته فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت اخیراً در پاسخ به این پرسش که چرا رقم خط فقر در ایران از سوی دولت چهاردهم اعلام نمی‌شود؟ گفت که ما هیچ موضوع محرمانه‌ای برای پنهان‌کردن از مردم نداریم چون مردم صاحبان اصلی کشور هستند و بار تورم و تحریم را به‌خوبی احساس می‌کنند. مراقبت ما صرفاً برای جلوگیری از سوءاستفاده رسانه‌های غربی است تا موضوعات داخلی به دست آنها نیفتد. در خلال آمارهای رسمی، آخرین آمار غیررسمی از وضعیت خط فقر در ایران به زمان تحقیق و دستمزد کارگران در سال جاری بر می‌گردد. یک کارشناس بازار کار بهمن‌ماه سال ۱۴۰۳ اعلام کرد: «براساس برآوردهایی که ما انجام دادیم و بخش‌های دیگر هم داشته‌اند، عددی که متوسط آن برای خط فقر نسبی در کشور عنوان می‌شود، ۳۵ میلیون تومان است. دولت و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باید این جاسرت را داشته باشند که قبل از اینکه جلسات اصلی و جدی مخصوص دستمزد در شورای‌عالی کار آغاز شود، خط فقر به عنوان یک شاخص اقتصادی و مؤلفه تأثیرگذار از‌طرف مرکز آمار یا بانک مرکزی با معاونت رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تعریف شود». حمید حاج‌اسماعیلی همچنین توضیح داد که براساس برآوردهایی که انجام شده، عددی که متوسط آن برای خط فقر نسبی در کشور عنوان می‌شود، ۳۵ میلیون تومان است.

آخرین آمار رسمی هم به شش ماه اول در سال ۱۴۰۳ بازمی‌گردد که مرکز پژوهش‌ها خط فقر مطلق در ایران را بر اساس اطلاعات ۱۱ میلیون و ۲۱۴ هزار تومان اعلام کرد. این یعنی معیار دولت برای مرفه‌اندشتن مردم درآمدی است که حتی از خط فقر نیمه اول سال گذشته، که همان زمان هم خوش‌بینانه‌بودن آن محل انتقاد بود، هم پایین‌تر است.

کارشناسان چه می‌گویند؟

مرتضی افقه، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «شرق» توضیح می‌دهد: «هدفمندی یارانه‌ها به معنای آن بود که فقط افراد نیازمند مشمول دریافت شوند، اما از همان ابتدا، محمود احمدی‌نژاد مسیر غلطی را آغاز کرد و مبلغی مساوی به همه داد. این رویه ادامه پیدا کرد و تا امروز سه بار تلاش شده است که افراد غیرنیازمند حذف شوند».

افقه می‌گوید: «در دوره اول، احمدی‌نژاد خوشه‌بندی انجام دادند که سه روز هم دوام نیاورد. در آن زمان هم اشتباهات زیادی صورت گرفته بود و افراد فقیر در خوشه ثروتمندان قرار گرفتند و بالعکس. بار دیگر، در دولت حسن روحانی تلاش شد که به صورت داوطلبانه برخی افراد کنار بروند، اما کسی حاضر



عکس میانی:عمر

برخی کارگران و بانزنشستگان به اشتباه جزء دهک‌های پردرآمد شناسایی شده و یارانه‌شان حذف شده است

حذف یارانه فقرا

نشد داوطلبانه از دریافت یارانه انصراف بدهد. البته در اواخر دوره روحانی، وزارت کار و رفاه تلاش‌هایی را آغاز کرد که ساعتی صرف جمع‌آوری و شناسایی اطلاعات شود تا افراد بر اساس درآمد و هزینه‌هایشان طبقه‌بندی شوند. تا این لحظه هم ظاهراً بر همین اساس عمل شده است، اما به دلیل ناکارآمدی دولت و ضعف سیستم‌های اطلاعاتی و همچنین ناتوانی در استفاده از فناوری‌های پیشرفته، طبیعی است که چنین خطاهایی رخ دهد. دولت ناچار است بخشی از هزینه‌های خود را کاهش دهد و در این مسیر به سراغ یارانه‌ها رفته است. البته اصل این کار -در صورتی که اطلاعات صحیح و دقیق وجود داشته باشد- اقدامی درست است. یعنی حداقل سه دهک بالای جامعه باید از جمع یارانه‌گیران حذف شوند، اما به شرط آنکه منابع آزادشده به سه دهک پایین منتقل شود. از آنجا که دولت به اندازه کافی توانمند نیست، طبیعی است که خطاهایی رخ دهد. به نظر من دولت دوباره ناچار خواهد شد این روند را اصلاح کند».

این کارشناس می‌افزاید: «بی‌تدبیری‌های گذشته، به‌ویژه پس از جنگ ایران و عراق تا امروز، کشور را به یک کلاف سردرگم تبدیل کرده است. در طول این مدت، ما گرفتار جنگ شدیم، گرفتار تحریم شدیم؛ همان‌هایی که می‌گفتند «تحریم کاغذیاره است» یا کسانی که مدعی بودند «بدون رفع تحریم مشکلات را حل می‌کنیم» و... در نهایت، کشور را به وضعیتی رساندند که اکنون در یک چاه ویل قرار گرفته است. امروز از یک سو دولت با کسری شدید بودجه مواجه است و درآمد نفتی تأمین نمی‌شود. حتی پیش از وقوع جنگ اخیر یا پیش از روی کار آمدن دولت ترامپ در آمریکا و تشدید فشارها نیز روشن بود که دولت با کسری شدید بودجه روبه‌رو خواهد شد. از سوی دیگر، بخش وسیعی از مردم در فقر فرو رفته‌اند. بنابراین دولت به دنبال راه‌هایی است که هزینه‌های خود را کاهش دهد».

افقه مثالی از کشور انگلستان می‌آورد و توضیح می‌دهد که در آنجا یارانه‌های هدفمند بهداشت وجود داشت و از طریق خوداظهاری عمل می‌شد، اما چرا مردم حقیقت را می‌گفتند یا اغلب راست‌گویی می‌کردند؟ پاسخ به این دلیل که درآمد آنها به اندازه کافی بود و شان و منزلت اجتماعی‌شان چنان ارتقا یافته بود که نیازی نمی‌دیدند دست‌خود را جلوی دولت دراز کنند. دوم، اگر کسی دروغ می‌گفت، با جریمه و تنبیهات سخت مواجه می‌شد. سوم، دولت اطلاعات بسیار دقیقی در اختیار داشت و اگر فردی اطلاعات غلط ارائه می‌کرد، به‌راحتی قابل شناسایی بود؛ زیرا از سیستم‌های پیشرفته الکترونیکی استفاده می‌شد. به گفته او نکته دیگر این بود که سرمایه‌گذاری‌های بهداشتی در آن کشور چنان گسترده بود که مردم کمتر بیمار می‌شدند. بنابراین میزان یارانه‌ای که دولت باید پرداخت می‌کرد کاهش می‌یافت و فشار کمتری بر منابع مالی دولت وارد می‌شد. بنابراین می‌بینید که مجموعه‌ای از عوامل لازم است تا یارانه‌ها واقعاً هدفمند و نزدیک به واقعیت شوند.

پیش از او کارشناسان دیگری نیز به حذف ناعادلانه از مشمولین یارانه نقدی و حتی ناچیزبودن مبلغ این‌س یارانه با توجه به تورم فعلی اعتراض کرده بودند. برای مثال خسرو دهقان، کارشناس رفاه اجتماعی، درآین‌باره به یک سایت خبری گفته بود: «کارگران امروز نه تنها از تأمین نیازهای اساسی خود ناتوان هستند، بلکه حتی در زمینه خوراک هم دچار محدودیت جدی هستند. همین نبود معیشتی باعث می‌شود تا افراد با بحران‌های روحی و روانی بسیاری مواجه شوند که یکی از پیامدهای اجتماعی ناکارآمدی طرح پرداخت یارانه نقدی است. زمانی پرداخت همین یارانه نقدی باعث می‌شد تا خانواده‌های روستایی با استفاده از آن هزینه‌های زندگی‌شان را تأمین کرده و اصلاً وارد بازار کار و تولید نشوند. اما با افزایش افسارگسیخته تورم عملاً یارانه هیچ مشکلی را در معیشت افراد حل نمی‌کند».

این کارشناس رفاه اجتماعی هشدار داده بود که با توجه به این شرایط حذف یکباره یارانه خانوارهای غیرمرفه می‌تواند برای بسیاری از افراد باعث شوک شده و چرخه زندگی آنها را با مشکلات جدی‌تری مواجه کند. او گفته بود: «هرچند مبلغ یارانه در حال حاضر عدد قابل توجهی نیست ولی خیلی از خانواده‌های بی‌ بضاعت از نظر روانی هم که شده به این مسئله وابسته هستند».

حالا صدای نمایندگان مجلس هم درآمدہ است. جواد نیک‌بین، با اشاره به دستورالعمل جدید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که سرانه درآمد ماهانه بالای ۱۰ میلیون تومان را معیار حذف از یارانه قرار داده، گفت: «معیارهایی که وزارت رفاه برای حذف یارانه افراد تعیین کرده متناسب با شرایط واقعی درآمد مردم و هزینه خانوارها در کشور نیست. تعیین این نوع معیار و شاخص‌ها اشتباه است چراکه اجاره‌بها در شهرهای مختلف بسیار متفاوت است».

او هشدار داده که از سویی دیگر در قانون بودجه سال ۱۴۰۴ هم چنین معیاری پیش‌بینی نشده بود، پس لازم است وزارت رفاه شاخص‌های دقیق‌تر، شفاف‌تر و عادلانه‌تری را برای شناسایی دهک‌های درآمدی تعیین کند.

گزارش

سرنوشت FATF بافعال شدن مکانیسم‌ماشه

نسیسمسیبی

مکانیسم ماشه یا «اسنپ‌بک» (Snapback Mechanism) اصطلاحی است که پس از توافق هسته‌ای ایران با قدرت‌های جهانی، موسوم به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، بسیار مطرح شد. این مکانیسم یکی از مهم‌ترین وجوه حقوقی و سیاسی این توافق بود که در قالب قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز به‌صورت رسمی مطرح شد.

مکانیسم ماشه به سازوکاری اشاره می‌کند که در صورت نقض برجام یا اختلاف‌نظرهای عمده درباره اجرای تعهدات توسط هر یک از اعضا، می‌تواند تحریم‌های لغوشده را دوباره به‌سرعت و بدون نیاز به رأی‌گیری مجدد در شورای امنیت سازمان ملل، به حالت قبلی بازگرداند.

از سوی دیگر، ایران با تصویب و تودیع سند پلرمو به سازمان ملل متحد، یک کام مهم در راستای تصویب FATF و خروج از لیست سیاه این سازمان برداشت. از آنجا که قدرت این سازمان در حال حاضر به‌نوعی حتی از قدرت سازمان ملل نیز بیشتر است، شاید خروج ایران از لیست سیاه آن بتواند تأثیری در کاهش یا جلوگیری از خطرات مکانیسم ماشه داشته باشد.

در همایشی که به نام‌منظور تبیین راهکارهای مربوط به بازه اقدام مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم به میزبانی مرکز اطلاعات مالی وزارت اقتصاد و دارایی برگزار شد، هادی خانی، معاون وزیر اقتصاد و رئیس مرکز اطلاعات مالی وزارت اقتصاد و دارایی، با بیان اینکه برنامه اقدام مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم توسط تقریباً تمام کشورها ارائه شده و به سند قابل انتشار تبدیل شده است، افزود: در کشور ما نیز با تأخیر بسیار زیاد این اقدام انجام شد که نشان‌دهنده این است که ما هم مشابه تمام کشورها، حتی کشورهایی هسته‌ای مثل لبنان، عراق و کشورهای حاشیه خلیج فارس، آسیب‌های مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم را احصا کرده‌ایم و برای آن برنامه داریم.

او در تشریح تصویب سند ملی اقدام مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم گفت: سند ملی ارزیابی با یک کار فشرده یک‌ساله و با بررسی‌های انجام‌شده توسط حدود ۸۰ دستگاه اجرائی کشور و جلسات فشرده به همراه بالغ بر هزارو ۶۰۰ نفر کارشناسی فشرده در قالب کارگروه ملی ارزیابی ریسک تدوین و در نهایت به تصویب رسید. خانی ادامه داد: آسیب‌های ذکرشده، طبقه‌بندی دارد و ما مترصد جمع‌بندی با دستگاه‌های امنیتی هستیم که این نسخه از برنامه آماده و منعکس شود. از جنبه بین‌المللی، برای ما بسیار حائز اهمیت بود که به جهان ثابت شود ما هم این مسیر را طی کرده‌ایم. هادی خانی در انتهای این نشست و در جمع خبرنگاران درباره فعال‌شدن مکانیسم ماشه و اقدامات انجام‌شده ایران در قبال FATF توضیح داد: یک‌سری تحریم‌ها وجود دارد که به هر حال اهم فشاری است از سوی کشورهای غربی که به هر دلیل امروز نقطه مقابل ایران ایستاده‌اند. یک‌سری تحریم‌هایی که در گذشته تعلیق شده بود و در سازمان ملل متحد علیه کشور ما تعریف کرده بودند، در حال فعال‌شدن است. ارتباط این موضوع با FATF از چه جهتی است؟ می‌دانید که ما در حال حاضر سال‌هاست به ناقص در فهرست کشورهای پرخطر از نظر پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم قرار گرفته‌ایم و همواره در حال تلاش برای رفع این برجسب نادرست هستیم، اما نکته‌ای که حائز اهمیت است، این است که در توصیه‌های FATF، توجه به تحریم‌های سازمان ملل متحد (نه تحریم‌های کشورها علیه کشورها) در توسعه FATF اهمیت ندارد، فقط روی توسعه تحریم‌هایی که سازمان ملل علیه کشورها تعریف می‌کند سوار شده و بررسی انجام خواهد داد.

معاون وزیر اقتصاد و رئیس مرکز اطلاعات مالی این وزارتخانه ادامه داد: ما در وزارت اقتصاد در یک چارچوب کاملاً فنی و حقوقی و با در نظر گرفتن تمام مصالح ملی کشور، سلسله اقداماتی را برای تبیین اقدامات مؤثر در حوزه مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم و ارائه این اقدامات به مجامع بین‌المللی آغاز کرده‌ایم و در چندین نشست منطقه‌ای هم این اقدامات کشور را ارائه کرده‌ایم.